

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

کلیه حقوق مادی مترتب بر نتایج مطالعات، ابتکارات و
نوآوری های ناشی از تحقیق موضوع این پایان نامه
متعلق به دانشگاه رازی است.



دانشکده علوم اجتماعی

گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی

عنوان پایان نامه

دولت و توسعه سیاسی

(بررسی موردی: تأثیر دولت هشت ساله اصلاحات در توسعه سیاسی ایران ۱۳۸۴-۱۳۷۶)

استاد راهنما:

دکتر مسعود اخوان کاظمی

استاد مشاور :

دکتر محمد ابوالفتحی

نگارش:

سجاد احسانی

آذرماه ۱۳۸۸



دانشکده علوم اجتماعی
گروه علوم سیاسی

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد رشته‌ی علوم سیاسی

نام دانشجو: سجاد احسانی

تحت عنوان:

دولت و توسعه سیاسی

(بررسی موردی: تأثیر دولت هشت‌ساله اصلاحات در توسعه سیاسی ایران ۱۳۸۴-۱۳۷۶)

در تاریخ ۱۳۸۸/۹/۳۰ توسط هیأت داوران زیر بررسی و با درجه عالی به تصویب نهایی رسید.

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

۱- استاد راهنما دکتر مسعود اخوان کاظمی

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

۲- استاد مشاور دکتر محمد ابوالفتحی

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

۳- استاد داور داخل گروه دکتر بهزاد خامه‌ای

امضاء

با مرتبه ی علمی استادیار

۴- استاد داور خارج از گروه دکتر مرتضی نعمتی زرگران

تقدیر و تشکر از:

استاد راهنمای گرامیم جناب آقای دکتر مسعود اخوان کاظمی

استاد مشاور ارجمندم جناب آقای دکتر محمد ابوالفتحی

استاد محترم جناب آقای دکتر قدرت احمدیان

دوستان عزیزم: آقای مهدی محمودی و بهزاد ابراهیمی و مختار نوری

تقدیم بہ پدر و مادر م
اپنے

چکیده

یکی از ابعاد مهم توسعه، توسعه سیاسی می‌باشد. برای پیمودن مسیر توسعه سیاسی در یک کشور، عمدتاً دو رهیافت متصور است. رهیافت جامعه محور و رهیافت نخبگان محور. توسعه یافتگی کشورهای غربی. محصول تکیه بر رهیافت جامعه محور است و به دلیل قوت فرهنگ سیاسی و مبانی اجتماعی در این جوامع، توسعه سیاسی از پایین به بالا شکل گرفته است. رهیافت دیگر رهیافت نخبه محور، این رهیافت مختص جوامع در حال توسعه و کشورهای جهان سومی است و به دلیل ضعف مبانی اجتماعی و فرهنگ سیاسی این جوامع توسعه سیاسی از بالا به پایین انجام می‌گیرد. با توجه به این رهیافت دولت به عنوان مجمع بخشی از نخبگان یک جامعه در توسعه سیاسی، هم از بعد ایجابی و هم بعد سلبی نقش‌آفرین است. با تمرکز بر وجه ایجابی نقش دولت بر فرآیند توسعه سیاسی و نیز با مطالعه عملکرد هشت ساله دولت اصلاحات در ایران درمی‌یابیم که در این برهه زمانی دولت اصلاحات نقش مؤثری را در پیشبرد فرآیند توسعه سیاسی را در کشور داشته است.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
	کلیات
۲	طرح مسئله.....
۳	پیشینه و ادبیات موضوع.....
۶	سوال اصلی.....
۶	سوال فرعی.....
۶	فرضیه اصلی.....
۷	فرضیه فرعی.....
۷	متغیرها.....
۷	الف) متغیر مستقل.....
۷	ب) متغیر وابسته.....
۸	مدل بحث.....
۸	روش آزمون فرضیه.....
۹	اهداف تحقیق.....
۹	اهمیت موضوع.....

بخش اول: مباحث نظری

فصل اول: دولت

۱۳	مقدمه.....
۱۴	گفتار اول: تعاریف و عناصر دولت.....
۱۴	الف) تعاریف دولت.....
۱۴	الف-۱) واژه شناسی دولت.....
۱۴	الف-۲) تعاریف دولت.....
۱۵	الف-۳) دولت از منظر حقوقی.....
۱۵	الف-۴) دولت از منظر فلسفی.....
۱۶	الف-۵) دولت در اسلام.....
۱۶	الف-۶) دولت از منظر سیاسی.....
۱۷	ب) عناصر دولت.....
۱۷	ب-۱) مردم (جمعیت).....
۱۹	ب-۲) قلمرو (سرزمین).....
۱۹	ب-۳) حکومت (سازمان).....
۲۰	ب-۴) حاکمیت (انحصار قدرت).....
۲۱	گفتار دوم: نظریه‌های خاستگاه و منشأ دولت.....
۲۱	الف) نظریه الهی خاستگاه دولت.....
۲۱	الف-۱) تاریخ تحلیل الهی.....

۲۲ الف-۲) حقوق الهی شاهان.
۲۳ ب) نظریه زور.
۲۵ ج) نظریه ژنتیک.
۲۵ ج-۱. نظریه پدرسالاری.
۲۶ ج-۲. نظریه مدرسالاری.
۲۷ د) نظریه طبیعی ارسطو.
۲۷ ه) نظریه قرارداد اجتماعی.
۲۸ ه-۱) توماس هابز.
۲۹ ه-۲) جان لاک.
۳۰ ه-۳) ژان ژاک روسو.
۳۲ گفتار سوم: عوامل سازنده و مراحل رشد و تکامل تاریخی دولت.
۳۲ الف) عوامل سازنده دولت.
۳۲ الف-۱) خویشاوندی.
۳۲ الف-۲) دین.
۳۲ الف-۳) اقتصاد.
۳۳ الف-۴) کشاکش و جنگ.
۳۴ الف-۵) نیاز به قدرت سیاسی (آگاهی سیاسی).
۳۴ ب) مراحل رشد و تکامل تاریخی دولت.
۳۵ ب-۱. شکل قبیله‌ای دولت.
۳۵ ب-۲) شکل امپراتوریهای شرقی.
۳۶ ب-۳) دولت شهرهای اولیه.
۳۶ ب-۴) شکل امپراتوری روم.
۳۷ ب-۵) حکومت‌های فئودالی.
۳۸ ب-۶) شکل دولت نو(دولت ملی).
۳۹ گفتار چهارم: کارکردها و کار ویژه دولت.
۳۹ الف) کارکردهای دولت از نظر برخی نظریه پردازان دولت.
۳۹ الف-۱) آدام اسمیت.
۳۹ الف-۲) گارنر.
۴۰ الف-۳) فون هولز ندورف.
۴۰ ب) کارکردهای دولت از نظر مارکسیست‌ها.
۴۱ ج) کارکردهای دولت از نظر لیبرال‌ها.
۴۱ د) کارکردهای دولت نو.
۴۱ د-۱) کارکردهای حمایتی و دفاعی.
۴۳ د-۲) کارکردهای رفاهی و اجتماعی.

۴۳ الف) دولت مطلقه.
۴۴ ب) دولت مشروطه.
۴۴ ج) دولت لیبرال.
۴۴ د) دولت رفاهی.
۴۴ هـ) دولت نولیبرال.
فصل دوم: توسعه سیاسی	
۴۷ مقدمه.
۴۸ گفتار اول: توسعه.
۴۹ الف) تبیینی از مفهوم توسعه.
۵۱ ب) تعاریف توسعه.
۵۲ ج) ایجاد توسعه.
۵۳ ج-۱) توسعه اجتماعی.
۵۳ ج-۲) توسعه اقتصادی.
۵۴ ج-۳) توسعه فرهنگی.
۵۵ ج-۴) توسعه سیاسی.
۵۵ د) نظریه‌های توسعه.
۵۵ د-۱) نظریه نوسازی.
۵۷ د-۲) نظریه ما رکسیستی.
۵۸ د-۳) نظریه توسعه نیافتگی.
۵۸ د-۳-اول) نظریه ساختاری.
۵۹ د-۳-دوم) نظریه وابستگی.
۶۰ هـ- اصول ثابت توسعه.
۶۱ هـ-۱) توانایی فکری- سازمان دهی هیأت حاکمه.
۶۱ هـ-۲) توجه به علم.
۶۲ هـ-۳) نظم.
۶۲ هـ-۴) آرامش اجتماعی.
۶۲ هـ-۵) نظام قانونی.
۶۳ هـ-۶) نظام آموزشی.
۶۴ هـ-۷) فرهنگ اقتصادی.
 گفتار دوم: توسعه سیاسی.
۶۴ الف) تعریف و مفهوم توسعه سیاسی.
۶۴ الف-۱) تعریف سیاست.
۶۵ الف-۲) مفهوم توسعه سیاسی.
۶۶ الف-۴) لوسین پای.
صفحه	عنوان
۶۷ الف-۵) فردریگز.

۶۷ (ب) شاخص های توسعه سیاسی.
۶۷ (ب-۱) شاخص های مثبت توسعه سیاسی.
۶۸ (ب-۲) شاخص های منفی توسعه سیاسی.
۶۹ (ج) رونالد چیلکوت و نظریات توسعه سیاسی.
۶۹ (د) تحول در نظریه های توسعه سیاسی.
۷۱ (د-۱) ساموئل هانتینگتن.
۷۲ (د-۲) ساموئل هانتینگتن و نلسون.
۷۳ (د-۳) لوسین پای.
۷۴ (د-۴) گابریل آلموند.
۷۵ (د-۵) کارل دویچ.
۷۵ (د-۶) کاوانوف.
۷۵ (ه) اصول توسعه سیاسی.
۷۶ (ه-۱) تشویق فردگرایی.
۷۶ (ه-۲) تقویت زمینه های استقرار تفکر.
۷۷ (ه-۳) تفکر متاع عمومی و تخصص متاع خاص.
۷۷ (ه-۴) آموزش مهمترین رکن برنامه ریزی جامعه.
۷۷ (ه-۵) آموزش شیوه های کار جمعی.
۷۸ (ه-۶) تقویت هویت عمومی جامعه.
۷۸ (ه-۷) بنیادی کردن علاقه به جامعه و قانون پذیری در میان مردم.
۷۸ (ه-۸) همسو بودن منافع هیأت حاکمه با منافع و مصالح عمومی.
۷۸ (ه-۹) تأمین آرامش و امنیت اقتصادی.
۷۹ (ه-۱۰) فعال بودن نهادهای غیردولتی در جامعه.
۷۹ (ه-۱۱) ابتناء تصمیم گیری بر اصلاح نگری و اصلاح پذیری.
۷۹ (ه-۱۲) انتخاب افراد بر پایه لیاقت و شایستگی.
۸۰ (و) ویژگی های جامعه توسعه یافته سیاسی.
۸۰ (و-۱) پیچیدگی و تخصصی شدن ساختارها و انفلاک نهادها.
۸۰ (و-۲) افزایش مشارکت سیاسی.
۸۱ (و-۳) توزیع قدرت و تداول آن.
۸۱ (و-۴) تربیت مدنی و سیاسی مردم.
۸۲ (و-۵) کثرت گرایی سیاسی.
۸۲ (و-۶) جامعه پذیری سیاسی.
۸۲ (و-۷) تجلی دولت به عنوان ارگان آشتی طبقات.
۸۳ (و-۸) ثبات و تبادل سیاسی.

۸۵ مقدمه.
۸۶ دولت و توسعه سیاسی.
۸۸ نقش ایجابی دولت در توسعه سیاسی.
۸۹ الف-۱) دولت (نخبگان) و مشارکت سیاسی.
۹۰ الف-۲) دولت(نخبگان) و احزاب.
۹۱ الف-۳) دولت و انتخابات آزاد.
۹۱ الف-۴) دولت و قوه قضائیه.
۹۱ الف-۵) دولت و آزادی مطبوعات و رشد رسانه‌های جمعی.
۹۲ الف-۶) دولت و انفکاک نهادها.
۹۲ ب) نقش سیاسی دولت در توسعه سیاسی.
۹۲ ب-۱) تمرکز قدرت سیاسی و شخصی شدن قدرت.
۹۳ ب-۲) غیررسمی شدن سیاست توسط دولت.
۹۳ ب-۳) جلوگیری از تقویت و گسترش نهادهای مدنی و سیاسی توسط دولت.
۹۳ ب-۴) اختناق و سرکوب سیاسی توسط دولت.
۹۴ ب-۵) قانون‌گریزی دولت.
۹۴ ب-۶) دخالت دولت در قوه قضائیه.
۹۴ ب-۷) وابستگی دولت به قدرت‌های خارجی.
۹۵ ب-۸) دخالت و تسلط دولت در نظام اداری(بوروکراسی).
۹۵ ج) نقش دولت نخبگان در توسعه سیاسی ایران از مشروطه تا انقلاب اسلامی ۵۷.

بخش دوم: اصلاحات و توسعه سیاسی در ایران

فصل اول: اصلاح و اصلاح طلبی در ایران

۹۹ مقدمه.
۱۰۰ گفتار اول: اصلاح و اصلاح طلبی.
۱۰۰ الف) تعریف و معنای واژه اصلاح و اصلاحات.
۱۰۱ ب) اصلاح و اصلاحات در اسلام.
۱۰۴ ج) اصلاح و رفم در غرب.
۱۰۶ د) تفاوت اصلاحات با انقلاب.
۱۰۷ گفتار دوم: اصلاحات و اصلاح طلبان در ایران.
۱۰۷ الف) اصلاح و اصلاح طلبان در دوره‌ی قاجاریه.
۱۰۷ الف-۱) اصلاحات درون حکومتی.
۱۰۸ الف-۲) اصلاحات برون حکومتی.
۱۱۰ ب) اصلاح طلبی و اصلاح طلبان از روی کار آمدن پهلوی تا انقلاب اسلامی.
۱۱۴ ج) اصلاح طلبی و اصلاح طلبان از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ تا ۱۳۷۶.

صفحه

عنوان

فصل دوم: نگاهی از درون به اصلاح طلبان در ایران (۱۳۸۴-۱۳۷۶)

۱۱۷ مقدمه.
-----	--------------

۱۱۸	گفتار اول: تئورسین‌های اصلاح طلبان.
۱۱۸	الف) سید محمد خاتمی.
۱۱۸	الف-۱) نفی سکولاریسم.
۱۱۸	الف-۲) ماهیت دموکراتیک انقلاب اسلامی.
۱۱۹	الف-۳) جامعه مدنی.
۱۲۰	الف-۴) ولایت فقیه.
۱۲۰	الف-۵) قانون‌گرایی.
۱۲۰	الف-۶) آزادی.
۱۲۱	الف-۷) آزادی مطبوعات.
۱۲۱	الف-۸) توسعه سیاسی.
۱۲۲	الف-۹) جامعه سیاسی.
۱۲۲	الف-۱۰) رابطه دین و دموکراسی.
۱۲۳	ب) سیدمصطفی تاج زاده.
۱۲۳	ب-۱) مردمی بودن اصلاحات.
۱۲۳	ب-۲) اعتقاد به نظام و قانون اساسی.
۱۲۴	ب-۳) توجه به خواستارهای مردم.
۱۲۴	ب-۴) مسالمت‌آمیز بودن نهضت اصلاحی.
۱۲۴	ب-۵) تدریجی بودن نهضت اصلاحات.
۱۲۴	ب-۶) اعتقاد به توازن قوا.
۱۲۵	ج) عبدالکریم سروش.
۱۲۵	ج-۱) سکولاریسم.
۱۲۶	ج-۲) حقوق بشر.
۱۲۶	ج-۳) آزادی.
۱۲۶	ج-۴) عدالت.
۱۲۷	ج-۵) حکومت دموکراتیک دینی.
۱۲۷	ج-۶) روحانیت.
۱۲۸	د) سعید حجاریان.
۱۲۸	د-۱) وجود احزاب در جامعه.
۱۲۸	د-۲) عرفی شدن دین و تجددگرایی.
۱۲۹	د-۳) عقلانیت دینی.
۱۲۹	د-۴) توسعه.
۱۳۰	گفتار دوم: روکارآمدن دولت اصلاحات.
۱۳۰	الف) هفتمین انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۰-۱۳۷۶).
	عنوان
۱۳۱	ب) گروههای عضو و حامیت جبهه دوم خرداد.
۱۳۲	ج) زمینه‌های پیروزی دولت اصلاحات.
۱۳۵	د) کابینه دولت اصلاحات در دوره اول.

۱۳۷ هـ) هشتمین انتخابات ریاست جمهوری (۱۳۸۴-۱۳۸۰)
۱۳۷ ث) کابینه دولت اصلاحات در دوره دوم
فصل سوم: دولت اصلاحات و توسعه سیاسی در کشور	
۱۴۰ مقدمه
۱۴۱ الف) مشارکت سیاسی
۱۴۲ ب) نهادهای مدنی
۱۴۲ ب-۱) تشکل‌های صنفی
۱۴۳ ب-۲) احزاب
۱۴۴ ب-۳) مطبوعات
۱۴۴ ج) عملکرد دولت اصلاحات در حوزه مسائل زنان
۱۴۵ ج-۱) عضویت مرکز مشارکت زنان در شورای اجتماعی کشور
۱۴۵ ج-۲) عضویت در شورای عالی اشتغال
۱۴۶ ج-۳) عضویت در شورای عالی جوانان
۱۴۶ ج-۴) عضویت در شورای برنامه ریزی و توسعه استانها و کار گروههای ذیربط
۱۴۷ ج-۵) گسترش و تقویت سازمانهای غیردولتی زنان
۱۴۸ ج-۶) تداوم فعالیت کمیته امحای خشونت علیه زنان
۱۴۸ د) شکل‌گیری تشکل‌های جدید دانشجویی
۱۴۹ هـ) توزیع و تکثر قدرت
۱۴۹ و) ثبات در کابینه
۱۵۰ ز) گفتگوی تمدن‌ها
۱۵۲ نتیجه‌گیری تحقیق
۱۵۴ ضمائم
۱۶۳ منابع و مآخذ

کلیات

طرح مسئله

مفهوم توسعه مفهومی بسیار گسترده و وسیع می باشد. در این میان با توجه به گستردگی این مفهوم تعاریف متعدد و بسیار متنوعی از آن ارائه شده است که هر یک از زاویه ای به بحث نگریسته اند. اما با دقت در تعاریف ارائه شده به خوبی می توان دریافت که همه این تعابیر دارای نقاط اشتراکی نیز می باشند، و دارای شاخص های مشترکی هستند. مقوله توسعه مفهومی چند بعدی می باشد، که چهار بعد مهم آن عبارتند از: توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی، توسعه فرهنگی و توسعه اجتماعی. با توجه به ابعاد توسعه می توان وجوهی از توسعه را تعریف کرد و برای پیشرفت و توسعه یک جامعه باید به ابعاد چهار گانه توسعه توجه نمود و در نظر داشت که این چهار بُعد توسعه می بایست با هم و همسو پیشرفت کنند و لذا نمی توان یک بعد را بر ابعاد دیگر ترجیح داد.

توسعه سیاسی یکی از ابعاد چهار گانه توسعه می باشد و در باب مفهوم آن سئوالات بسیار مهمی مطرح می باشند از جمله این که شاخص های توسعه سیاسی چیست؟ و مهم تر از همه رهیافت های نیل به توسعه سیاسی شامل چه مواردی می باشند و ...؟

شاخص های توسعه سیاسی را می توان به دو دسته تقسیم بندی کرد. الف: شاخص های مثبت توسعه سیاسی. ب: شاخص های منفی توسعه سیاسی.

شاخص های مثبت توسعه سیاسی عبارتند از: افزایش مشارکت مردم در روندهای سیاسی، تعدد و تکثر احزاب سیاسی کارآمد، آزادی مطبوعات، انتخابات آزاد و رشد رسانه های جمعی، نیرو های مسلح غیر سیاسی، افزایش سطح آگاهی سیاسی مردم و

شاخص های منفی توسعه سیاسی عبارتند از: انتخابات تقلبی و عدم رعایت قوانین و مقررات، کاهش کمی و نا کارآمدی احزاب سیاسی، سرکوب نارضایتی، کاهش مشارکت مردم در روندهای سیاسی، سیاسی شدن نیروهای مسلح و

برای پیمودن مسیر توسعه سیاسی در یک جامعه، عموماً دو رهیافت مد نظر می باشد؛ الف: رهیافت جامعه محور که منظور از رهیافت جامعه محور این است که توسعه سیاسی از پایین به بالا صورت می گیرد. بدین

معنا که شرایط مناسب و ساختارهای لازم برای شکل گیری جامعه مدنی فراهم باشد و جامعه مدنی شکل گرفته باشد. این رهیافت عموماً در کشورهای غربی و توسعه یافته مسیر خود را پیموده است. ب: رهیافت نخبه محور که منظور از رهیافت نخبه محور این است که توسعه سیاسی از بالا به پایین صورت می گیرد. ذکر این نکته ضروری می باشد که نخبگان مدنظر ما در اینجا کسانی هستند که معمولاً در ساختار قدرت و مخصوصاً در رأس قدرت هستند. نخبگان در یک جامعه هم می تواند شامل نخبگان فکری و ابزاری باشند لذا این دیدگاه می توان سران حکومتی را به عنوان نخبگان قلمداد نمود. بررسی نقش دولت در توسعه سیاسی از منظر رهیافت نخبه محور صورت می گیرد. بر این اساس، روند توسعه سیاسی می تواند توسط نخبگان و یا همان دولت مردان نیز انجام گیرد. این رهیافت عموماً در جوامع جهان سوم و توسعه نیافته که مبانی فرهنگ سیاسی آنها ضعیف می باشد و جامعه مدنی قوی در آنها شکل نگرفته، موثر می باشد. لذا به خوبی در می یابیم در کشورهای توسعه نیافته دولت می تواند در شکل گیری و تقویت فرآیند توسعه سیاسی و یاحتی در ممانعت از شکل گیری آن موثر واقع شود. در اینجا است که سوال اصلی این پژوهش مطرح می - گردد که دولت اساساً چه تأثیراتی را می تواند بر ابعاد مختلف توسعه سیاسی داشته باشد؟

پیشینه و ادبیات موضوع

منابع متعددی را می توان یافت که به بحث دولت و یا توسعه سیاسی به طور جداگانه پرداخته باشند. اما کمتر منابع یا کتب و یا رسالاتی موجودند که به طور مستقیم به نقش دولت در فرآیند توسعه سیاسی و بیان تاثیر دوران ۸ ساله دولت اصلاحات در توسعه سیاسی کشور، پرداخته باشند. البته کتب و منابع و نوشته هایی وجود دارند که به طور مستقیم و غیر مستقیم می توان در تبیین موضوع مورد نظر از آنها بهره گرفت. در این میان به مواردی همچون منابع ذیل اشاره می شود:

۱- کتاب " بنیادهای علم سیاست " نوشته دکتر عبدالرحمن عالم.

این کتاب یکی از ارزشمندترین منابع موجود برای فهم مبانی علم سیاست می باشد که مفاهیم پایه علم سیاست را با نگاهی دقیق و موشکافانه مورد بررسی قرار داده است. از جمله مفاهیمی که در این کتاب مورد توجه جدی قرار گرفته اند، می توان از دو مفهوم دولت و توسعه سیاسی یاد کرد که بیشتر به تعریف مفاهیم، بیان دیدگاه های گوناگون درباره تعریف آنها و نیز ارائه تعریف آنها و همچنین عناصر و شاخص های آنها پرداخته است. ایرادی که وجود دارد این است که با توجه به عنوان این پایان نامه، در کتاب فوق از مسائلی از

قبیل توسعه به عنوان مفهومی بنیادی، ابعاد گوناگون توسعه، نقش دولت در توسعه به طور کلی و به طور خاص توسعه سیاسی و ... به صورت مفصل بحث نشده است.

۲- کتاب "نظریه های دولت" اثر اندرو وینسنت ترجمه دکتر حسین بشیریه

این کتاب را می توان به دو بخش تقسیم کرد. بخش اول کتاب مربوط به ماهیت دولت است که در مورد تعاریف و ویژگی های دولت و همچنین تعاریف هم خانواده های دولت می باشد. اما بخش دوم، که بخش مهم این کتاب محسوب می شود انواع دولت ها و نظریه دولت هارا بررسی می کند. ذکر این نکته لازم می باشد که منظور از انواع دولت ها، دولت هایی هستند که در غرب شکل گرفته اند. اما به دلیل اینکه موضوع تحقیق ما در مورد نقش دولت در توسعه سیاسی می باشد، ایرادی که می توان بر این کتاب گرفت این است فقط مسائل مربوط به دولت را بررسی کرده، و هیچ گونه اشاره ای به توسعه و توسعه سیاسی نشده است و همچنین هیچ گونه مطلبی در مورد تأثیر دولت در توسعه سیاسی به میان نیامده است.

۳- کتاب "دولت مدرن در ایران" تألیف دکتر رسول افصلی

این کتاب یکی از کتاب های مهم در مورد شکل گیری دولت مدرن در ایران می باشد که در اول شکل گیری دولت را در غرب بررسی نموده و همچنین انواع دولت را معرفی کرده است و بعد به شکل گیری دولت در ایران پرداخته است. در این کتاب تا حدودی به نقش دولت بر توسعه و همچنین موانعی که دولت برای روند توسعه ایجاد می کند اشاره شده است؛ از جمله به نقش دولت در توسعه اقتصادی از دوران پهلوی تا سال ۱۳۷۶ پرداخته است. اما در این کتاب به مسائل توسعه سیاسی و نقش دولت در توسعه سیاسی اشاره نشده است.

۴- کتاب "توسعه سیاسی" اثر پروفیسور برتران بدیع با مقدمه ژوژ لائو و ترجمه دکتر احمد نقیب زاده.

در این کتاب به بررسی توسعه، نظریات توسعه گرایی و نظریات اندیشمندان این مکاتب و بررسی توسعه سیاسی و شاخص های توسعه سیاسی و توسعه نظام های سیاسی اروپا و همچنین توسعه نظام های سیاسی جهان سوم و موانع توسعه در این نظام ها پرداخته است. مسئله اصلی این کتاب این است که توسعه امری یک بعدی نیست بلکه چند بعدی می باشد و راهی که کشور های غربی برای توسعه طی کرده اند با توجه به شرایط اجتماعی تاریخی و فرهنگی و ... این کشورها با مسیری که کشورهای جهان سوم برای رسیدن به توسعه و توسعه سیاسی باید طی کنند تفاوت دارد. در این کتاب فقط به مسائل توسعه و توسعه سیاسی

پرداخته شده است و از آنجا که پژوهش ما مربوط به تأثیر دولت بر توسعه سیاسی می باشد. در این کتاب اشاره ای به این موضوع نشده است.

۵- کتاب "عقلانیت و توسعه یافتگی در ایران" اثر دکتر محمود سریع القلم

این کتاب که دارای چهار بخش می باشد که بخش دوم آن مسائل مربوط به توسعه و توسعه سیاسی و عوامل تأثیر گذار بر روند توسعه سیاسی که دو رهیافت نخبه محور و جامعه محور می باشد، را بیان کرده است. همچنین اصول و شاخص های توسعه سیاسی را معرفی و بررسی نموده است، اما ایرادی که می توان بر این کتاب وارد کرد این است که در آن سخنی از موانع توسعه سیاسی و همچنین ماهیت و چگونگی ساختار دولت به میان نیامده است.

۶- کتاب "چالش های توسعه سیاسی" تألیف عبدالعلی قوام

این کتاب به رهیافت های و رویکردها توسعه سیاسی و تحولاتی که در مفهوم توسعه سیاسی به وجود آمده اشاره کرده ، همچنین موانع توسعه سیاسی را بیان کرده است اما در این کتاب به نقش دولت در توسعه سیاسی اشاره ای نشده است.

۷- کتاب "عقل در سیاست" اثر دکتر حسین بشیریه

این کتاب شامل ۳۵ گفتار می باشد که گفتار های ۱۷ و ۱۸ آن مسائل مربوط به دولت و توسعه سیاسی را مطرح ساخته و نیز شاخص های توسعه سیاسی را بیان کرده است . تا حدود کمی هم تأثیر دولت را بر توسعه سیاسی مورد بحث قرار داده است.

۸- کتاب "نوسازی و اصلاحات در ایران" اثر دکتر احمد موثقی

این کتاب دارای ۴ بخش می باشد که در بخش اول آن مسائل مربوط به اصلاحات را در غرب بررسی کرده است و در ادامه مسائل مربوط به شکل گیری دولت در ایران و همچنین ماهیت دولت و ساختارهای اجتماعی و اقتصادی را در دو قرن اخیر مورد بررسی قرار داده است. بخش دوم آن اصلاحات را در ایران در دوران قاجار و مشروطه بیان کرده است. بخش سوم اصلاحات را در زمان پهلوی و زمان انقلاب اسلامی بررسی کرده است. در این کتاب اصلاحات سیاسی زمان دولت خاتمی مورد تحلیل قرار گرفته شده است. در بخش آخر یعنی بخش چهارم هم آراء و اندیشه های اصلاح طلبان دینی را در ایران معاصر بیان کرده است. این کتاب، یکی از کتاب های مهم در مورد روند اصلاحات از نظر تاریخی تحلیلی می باشد.

با توجه به پژوهش حاضر، ایرادی که این کتاب دارد این است که به تأثیر دولت و چگونگی تأثیر آن بر توسعه سیاسی اشاره نکرده است.

۹- کتاب "اسلام سیاسی در ایران" اثر سید محمد علی حسینی زاده

این کتاب گفتمان سیاسی و اسلامی که در ایران از زمان مشروطیت تا دهه ۱۳۷۰ را مورد بررسی قرار داده است چگونگی استقرار اسلام سیاسی در ایران چگونگی به وجود آمدن جریان‌های اسلامی و احزاب در ایران و مخصوصاً مسائل و رخدادهای سیاسی و اجتماعی تا دهه ۷۰ را مورد بررسی قرار داده است. در این کتاب به مسائل مربوط به اصلاحات در کشور هم اشاره شده است. مثلاً زمینه‌های پیدایش گفتمان اصلاح طلبی، دیدگاه‌های برخی از اصلاح طلبان، زمینه به وجود آمدن دوم خرداد ۱۳۷۶ و مسائلی اینچنین را بیان کرده است اما این کتاب نه به دولت اشاره کرده است و نه به توسعه سیاسی و همچنین هیچ گونه اشاره‌ای به روند توسعه سیاسی در دوران ۸ ساله اصلاحات به میان نیاورده است.

۱۰- کتاب "تحولات سیاسی اجتماعی بعد از انقلاب اسلامی در ایران" اثر دکتر یحیی فوزی

در این کتاب نحوه روی کار آمدن دولت‌ها که بعد از انقلاب به حکومت رسیده‌اند، و مسائل سیاسی، اجتماعی و اقتصادی این دولت‌ها را بررسی کرده است. این کتاب شامل چهار بخش است که بخش چهارم آن مربوط به روی کار آمدن دولت اصلاحات می‌باشد که به طور اجمال و کوتاه علت پیروزی دولت اصلاحات را در دوم خرداد ۱۳۷۶ و همچنین تحولات سیاسی اجتماعی دولت اصلاحات را بررسی کرده است. اما مسائل مربوط به توسعه سیاسی و پیشرفت توسعه سیاسی را در دوران اصلاحات بیان نکرده است. منابع عمده مورد استفاده در زمینه تأثیر دولت اصلاحات بر توسعه سیاسی کشور شماره‌های متعددی از نشریات مجلات و مقالات چند ساله اخیر می‌باشند.

سوال اصلی:

دولت می‌تواند چه تأثیراتی را بر ابعاد توسعه سیاسی داشته باشد؟

سوال فرعی:

دولت اصلاحات در دوران ۸ سال حاکمیت خود چه تأثیراتی را بر فرآیند توسعه سیاسی در ایران داشته

است؟